اسم کتاب تحفهٔ سعودیه (مجموعه)
مؤلف سیف الملک نوری
موضوع تالیف نصایح و پندنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی حیرت عقول اولی الالباب فی معرفة کنهه و الصلوة علی اشرف انبیائه و رسله
محمد الذی بعث لتتمیم مکارم الاخلاق فی امته و علی آله و صحبه لا سیما علی الذی [illegible] صلوته
دائمة الی یوم القیامة اما بعد چنین گوید حقیر فقیر [illegible]
کالسیف [illegible] المرحوم المغفور محمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کتاب [illegible]

از بدایت عهد شباب که عنفوان روزگار جوانی است الی الان که پنجاه مرحله از مراحل
زندگانی را طی نموده ساعات عمر عزیز را [illegible] سفر و صلح و جنگ و [illegible]
گردش با طوایف و مذاهب مختلفه از مردم ایران و افغان و رومی و فرنگی و [illegible]
عرب و عجم و ترک و دیلم آمیخته و مخالطات نموده از [illegible]
ممالک شان [illegible]
اکنون که روزگار شباب [illegible] پیری [illegible] خود را در جریده [illegible]
مرا چهره [illegible] که [illegible] غزل [illegible]
و در [illegible]
و از [illegible]
به یادگار [illegible]
این بنده را [illegible]

پند پدر چو دانشمندی آن آید که از نیز خیر دنیا و آخرت را دریابد و این ... را

مسمی معنوی جهة سعود ... و مشتمل است بر یک مقدمه و چهار مقام و سیراب ... گشته ... ای ...

... پس گوش کن بدان ای ... چون موجودات ... از جهت ...

سعود مطلق چنانکه حدیث کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف

و آیه ... که و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون شاهد این مدعی اند بر هم ... نوع انسان ...

اختصاص ... بجوهری از جنس جواهر مجرده چه اگر از این جنس نبودی او را فضیلتی بر سایر حیوانات جسمیه

حاصل نبودی و این جوهر که انسان بآن مخصوص است محسوس نیست بلکه معقول است

و در عرف شرع آن را روح و در عرف حکمت نفس ناطقه تعبیر ... و از مختص این جوهر

که هیچیک از حیوانات با او در این ... شریک نیست ... علم بمعقولات و ... کلیه

که بدان وسیله در اشتباه ... حق ... و دیگر ... از اغراض ...

... شهوت و غضب و ... اعراض ... صفات ...

که منبع قدرت محض و مظهر ... باشد میسر تواند بود و این دولت بسبب مخصوص بودن

بانسان بسبب اختصاص وی از شرف و کرامت از سایر حیوانات ... که در

جنس جواهر مخصوص انسان ... معرفت ... و ... خلاص ... پس ...

که جوهر خود را بشناسی که من عرف نفسه فقد عرف ربه و این خود روشن است که هر که خود را نشناخت

شناخت دیگری ... زیرا که هیچ چیز بتو از تو نزدیکتر نیست چون خود را

نشناسی دیگری را چون شناسی ... که در علم خود ... عارف گردد ...

و نیز شناختن خود موجب سعی در تحصیل کمالات و تهذیب اخلاق ...

سعی در دفع رذائل ... و حصول آن ... که حقیقت او از عالم قدس است

که بطور ودیعه در بدن عنصری ... در ... زیرا که

این گوهر ... و ... مقصود ...

و اگر ... که خود را شناخته ... حیوانات ... [illegible]

زیرا که تو از ظاهر خود خبر بصورت چشم و گوش و بینی [illegible] و در باطن خود هیچ نمیدانی مگر
هنگام گرسنگی طلب غذا نمودن و در وقت شهوت و غضب و [illegible] قدم در انتقام [illegible]
و جمیع حیوانات در این مراتب با تو سهیم و شریکند و هیچگونه سبب بلندی تو بر سایر حیوانات
نخواهی داشت و در این مرتبه اگر [illegible] باشد هر آینه بصورت یکی از حیوانات بخلاف [illegible]
خود بروز و ظهور خواهی نمود چه [illegible] سبب با صورت حیوانات [illegible] و اگر [illegible] این بود
چرا خداوند تو را بر سایر مخلوقات ترجیح داده در محکم تنزیل خود [illegible] و فضلناهم علی کثیر
ممن خلقنا تفضیلا حاصل آنکه اگر اخلاق ذمیمه ملکه [illegible] اغلب حیوانات [illegible] ترجیح
خواهی داشت چه هر یک از حیوانات [illegible] صورت [illegible] محشور میشوند
و تو هر آینه بصورت [illegible] مثلا اگر [illegible] بصورت پلنگ
و [illegible] بصورت [illegible] و حسد بصورت [illegible] و حرص بصورت [illegible] و غضب بصورت سگ
و شهوت بصورت خنزیر [illegible] بلکه [illegible] اللهم [illegible]

یوم القیمه بصورت [illegible] و [illegible] پس بر تو لازم است [illegible] حدیث
امیر مؤمنان [illegible] صلوات الله علیه که فرمود رحم الله امرء عرف [illegible]
والا این خود را بشناس که از کجا آمده و کجاستی و بکجا خواهی رفت و حاصل اوقات
در این جهان که پر آشوب و وحشت چه خواهد بود و بدانی که آفریده [illegible]
از فرشته و حیوان گر کند میل این شود پس از این ور کند میل آن شود به از آن
پس ای برادر [illegible] خویش شناس که بزرگترین وسیله [illegible] شناسایی حق [illegible]
شناخت حق تو را میسر است [illegible]
هزاران حکمت [illegible]
بهتر که [illegible]
[illegible]
[illegible] پس [illegible] تو [illegible]

با کریمان کارها دشوار نیست — نه آنکه در ذات حق اشکالی است بلکه در ذات
راه بهبود قربست و هر که شناسای چیزی شد به همه آن چیز بر قدر دانش ادراک و فرو گیرنده
چگونه فرو گرفته خواهد شد — فهم بسی رفت و اندیشه بسی طریق — وهم بسی گشت و در بسی مجال
لو دنت الفکر به حجب — تا در رقت به سبحات الجلال — ولیابد نیکو [illegible] خود را
بشناسی که شناسای خود شناسای او و شناسای حقیقت — هر چه و در [illegible]
به حقیقت شناسا شدی شناسای او تو را [illegible] چون آن شناسای او را حاصل شد
سعادت حقیقی را دریافت نمو پس تو را تشهیر کرده ام بدریافت این مرتبه عظمی که در تحصیل علم و دانش
بتهاون از خود [illegible] آنکه غفلت جایز ندارد که این آیتی [illegible] جهان تو را باشد
ای پسر کوشش کن تا اخلاق نیک تحصیل کنی و از اخلاق ردیه اجتناب نمائی و در کارها
میانه روی شعار و پیشه خود سازی و از دو طرف افراط و تفریط پرهیز کنی تا از آن
خلقهای [illegible] تو را حاصل شود و در قوه شهوت و غضب را [illegible] آنکه [illegible]

ایشان نیست تا به مقام آزادی نرسد و اینکه خواهم این سخن را از برایت بیانی کنم
تا دستور [illegible] باشد — بدان ای پسر که سعادت [illegible] که انسان مرکب است از سه امر
از جسد که [illegible] و نفسی که دریافت میشود بصر ان [illegible] بصورت
خلقهای نیک [illegible] و دیده [illegible] در آخرت [illegible] پیدا است و [illegible]
[illegible] جلای نیست و از [illegible] از عالم امر است [illegible] که شناسای حق
او در حاصل [illegible] که آنچه هر دریافت شد [illegible]
کوشش کن تا آنچه هر دریافت شود و وجود آنچه [illegible] جز سلوک علمی و عملی سلوک
علمی شناسای [illegible] سلوک عملی تخلیه [illegible] تجلیه [illegible]
شریعت غرا و طریقت ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین [illegible]
فرو گذاشت نفرموده [illegible] سلوک [illegible]
و باز بحیرت [illegible] — بدان ای پسر که [illegible]

ارکان است شش چشم و دهان و بینی و روی و جبین نیکو ... ابروان اکمل او
نیکویی همچنین صورت باطنه را یعنی آنکه در حقیقت روی است او را
ارکانی است که مجموع جمیع آن صورت باطنه تواند بود این ارکان چهار گانه است
که قوه شهوت و قوه غضب و قوه ادراک و قوه عدالت است اکنون سخن گوییم در ضبط
هر یک از قوای وسط فضیلت است و میل یک از طرفین افراط و تفریط
رذیلت افراط آنکه از وسط درگذرد به جانب شدت میل کند و تفریط
آنست که هیچ از قوه حد خود نگذارد و او را مهمل گذارد و لهذا اصل فضائل چهار است
چه اصل قوی که تعدیل در آنها واجب است و توسط مطلوب سه قوه است
قوه شهویه و قوه غضبیه و قوه ادراکیه پس توسط در هر یک اصل فضیلت است
و توسط در مجموع نام فضیلتی دیگر و توسط در قوه شهویه را عفت گویند و توسط
در قوه غضبیه شجاعت و توسط در قوه ادراک حکمت و حکمت تعلیمی باشد

نظر به جمیع ... در علوم الهیه و ریاضیه ... [illegible]
[illegible] ... فضیلت است ... [illegible]
[illegible] ... طرف افراط ... تفریط ... [illegible]
[illegible] ... فضیلت ... [illegible]
طرف افراط ... [illegible]
[illegible] ... فضیلت ... [illegible]
[illegible] ... طرف افراط ... [illegible]
[illegible] ... فضیلت ... [illegible]
فضیلت ... فضیلت ... [illegible]
[illegible] ... والسلام ... [illegible]
[illegible] ... فضیلت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مقام اول

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از کلمات فریدون

[illegible]

کلمات [illegible]

[illegible]

کلمات کیقباد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قال الحکیم الثالث

[illegible]

قال الحکیم الرابع

[illegible]

قال الحکیم الخامس

[illegible]

قال الحکیم السادس

[illegible]

قال الحکیم السابع

[illegible]

[illegible]

قال الحکیم الثامن

[illegible]

قال الحکیم التاسع

[illegible]

قال الحکیم العاشر

[illegible]

قال الحکیم الحادی عشر

[illegible]

الحکیم الثانی عشر

[illegible]

الحکیم الثالث عشر

[illegible]

الحکیم الرابع عشر

[illegible]

الحکیم الخامس عشر

[illegible]

الحکیم السادس عشر

[illegible]

[illegible]

... الصلاح ... السابع عشر ... الثامن عشر قال ...

[illegible] ... قال العشرون ... قال ...

... الحادي والعشرون ... الحكيم ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و آنچنان

الم الم الم الم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چنانکه شنیده‌ام

[illegible]

و دیگر

[illegible]

[illegible]

چنانکه شنیده‌ام

[illegible]

حکایت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چنان شنیدم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٣٥

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شهر ربیع الثانی [illegible]